



۲۰۱۸/۰۷/۱۱

احسان الله مایار

یادی از دوست یک عمر مرحوم عطا محمد نورزائی

قسمت سوم و ختم

به ادامه دو قسمت گذشته اینک بخش اخیر اساسنامه جمعیت را با یادی از دوست یک عمر مرحوم نورزائی از نظر خوانندگان گرامی می گذرانم و این صفحه از زندگی یک مبارز راه آزادی میهن ما را اختتام بخشیده و به روان وی درود می فرستم.

ضمناً یک فوتوی دسته جمعی یک تعداد از دوستان هیئت اجرائیه حاضر در یکی از جلسات جمعیت را از نظر خوانندگان گرامی می گذرانم تا با چهره های شان آشنائی صورت گرفته بتواند:



از ر به چ: داکتر امین فرهنگ- مرحوم داکتر نورزائی- آقای تاج- مایار- مرحوم داکتر محمدیوسف- داکتر سوماو مرحوم داکتر نیاز و در نهایت به جا خواهد بود از دو شخصیت وطن دوست و دانشمند افغان که ایشان نیز در زمره هیئت اجرائیه محسوب می شدند یاد نموده و عکسی مشترکی را که در برنده اطاق این کمترین در قصر کوه Caux ، روزیکه تدوین اساسنامه جمعیت رویدست بود، گرفته شده خدمت تقدیم نمایم:



از ر. به چپ: مرحوم داکتر طبیبی - مایار - مرحوم داکتر حقوقی

و اینک در رابطه به گذشته:

موقف جمعیت در برابر سایر دولتها

ما اقدام بشر خواهانه و کمکهای بشری حکومت برادر و دوست مان پاکستان و رویه نیک مردم مسلمان و با همت پاکستان را که از بدو مداخله شوروی در افغانستان تا امروز در برابر هموطنان ما انجام داده اند بنظر قدر نگریده، سپاسگذاری خود را نسبت شرکت آنها در غم و اندوه برادران مسلمان افغانی شان ابراز میکنیم.

امروز بقرار احصائیه های رسمی متجاوز بیشتر از سه ملیون هموطن ما به پاکستان پناه سیاسی یافته و از آزادی های بشری و مصونیت های قانونی انسانی برخوردار می باشند. امیدواری ما برای آینده اینست که چنین روابط انکشاف بیشتر نماید. حمایت حکومت پاکستان از موقف برحق مجاهدین افغانی چه طی مذاکرات دو جانبه حکومت پاکستان با سایر کشورها و چه در محافل بین المللی و انعکاسات نیک و برحق مطبوعات پاکستان نزد ملت برادر و مسلمان افغانستان حایز قدر و منزلت خاص است.

توقع ما از حکومت پاکستان اینست تا چنین مساعی خود را الی استقلال کامل و تامین تمامیت ارضی مملکت همسایه و برادر خود ادامه بدهد و تفاهم بیشتری با مجاهدین افغانی حاصل کرده، ممد اتحاد دسته های مختلف مجاهدین و تنظیمها واقع گردد.

روابط و پیوندهای ما با ملت برادر ایران ناگسستگی است. مساعدتهاییرا که کشور برادر ما ایران به مهاجرین افغانی نموده و حمایتی را که ایران از قضیه افغانستان کرده است بنظر قدر مینگریم، اما توقع ما از کشور ایران بیشتر آنست که تاکنون انجام یافته است. سیاست توسعه طلبی شوروی مبنی بر اشغال افغانستان قدم مهمی برای تسلط بکشور اسلامی ایران است تا منابع نفت خیز آنکشور را غصب نماید. شوروی با اشغال فرود گاهای سوق الجیشی شیندند، هرات، قندهار با تاسیس استحکامات در نزدیکی سرحدات مشترک ما با ایران خود را بتنگناهی هرمرز و بمنابع نفت خیز و پالایشگاه های آبادان نزدیک ساخته است و همینکه موقع را مساعد بیابد خود را باین هدف خواهد رسانید. بنابر آن کمک قاطع و موثر ایران بمجاهدین افغانستان در حقیقت کمک به استقلال ایران، کمک بدوام حاکمیت ملی و اسلامی ایران و کمک بجهان اسلام و صلح منطقه و جهانی است.

آروزی ما اینست که زعمای دولت دوست و برادر ما ایران را از نزدیک ملاقات کرده در

باره عموم مسایل تراژیدی مملکت همسایه شان افغانستان مفاهمه نماییم و نظر خود را در باره طرز العمل همکاری موثر و دوامدار ارائه نماییم .

موقف جمعیت در برابر دولت های اسلامی

افغانستان با دنیای اسلام علایق معنوی دوامدار و عمیق دارد و مناسبات عنعنوی افغانستان بااساس این علایق با کشور های مسلمان برادرانه و حسنه بوده است. ملت افغان در حال حاضر يك جنگ را برای حصول استقلال سیاسی خود متکی بعقاید اسلامی خود پیش میبرد. مردم مسلمان ما بتاسی از احکام مبین قرآنی و میراث نیاکان خود شهادت را نسبت بر زندگی در زیر سلطه الحاد ترجیح میدهد و هر روز عده زیادی از هموطنان ما بشهادت میرسند. جنگی را که ما درین منطقهء جهان پیش میبریم برای حفظ شون اسلامی و برای حفظ آبروی همه مردم مسلمان جهان است. بناءً توقع ما درین جهاد از عموم مسلمان جهان و کشورهای اسلامی خیلی زیاد است.

ما موقف کشورهای اسلامی را که از بدو بحران افغانستان راجع بکشور ما اتخاذ نموده بودند قدردانی میکنیم موقفی را که کشورهای اسلامی چه بصورت منفردانه و چه بصورت دسته جمعی در اسلام آباد و طایف و چه در سایر اجتماعات اتخاذ کرده اند قابل تمجید میدانیم و همچنان ما از کمکهای بشری که این دول بمهاجرین افغانی کرده اند سپاسگذاری میکنیم.

ولی خصوصیت اصیل جهاد افغانستان متقاضی کمکهای بیشتر و موثرتری است. چون افغانستان در يك جنگ نامساوی با ابرقدرت شوروی دست بگریبان است و درین جنگ بقای قواعد اسلامی درین منطقه جهان مطرح است، بنابر آن بتاسی از تساند اسلامی و اشتراك علایق عمیق معنوی باید کشورهای اسلامی در جهاد افغانستان از طریق مساعدت سلاح پیشرفته و موثر بمردم افغانستان سهم بگیرند. در ساحه سیاسی با وارد کردن فشار های موثر سیاسی و اقتصادی بالای اتحاد شوروی به تقویه مقاومت ملی افغانها پردازند و شوروی را مجبور سازند تا وعده ایرا که مکرراً برای اخراج قشون خود از افغانستان کرده است هرچه زودتر ایفاء کند.

متذکر میشویم که متاسفانه يك تعدادحکومات کشورهای مسلمان تاکنون حمایت خود را از جهاد برحق مردم افغانستان ظاهر نساخته اند و حتی بعضی موقفی را اتخاذ کرده اند که با اصول تساند اسلامی، منشور ملل متحد و اصل حق استقلال کشورها و روحیه فیصله های کشورهای اسلامی در تضاد میباشد. تاثر بیشتر وقتی دست میدهد که افغانستان همیشه جنبش های آزادی خواهی آنها را در برابر ابرقدرتهای استعماری بصورت متدوام جانبداری کرده و بااساس تساند با برادران مسلمان خود از کمکهای مادی و سیاسی در راه تامین استقلال آنها با وصف کم قدرتی خود شجاعانه دریغ نکرده است. بنابر آن ما معتقدیم که باید دولتهای مذکور از حالت موقفگیری منفی و بیتفاوتی خارج شده و موقف عادلانه و برادرانه را در برابر این ملت شجاع ولی مظلوم اتخاذ نمایند.

موقف جمعیت در برابر کشورهای غیر منسلک

افغانستان بحیث يك کشور بیطرف جهان، عضو مؤسس و فعال جنبش عدم انسلک بوده و به معیار های جنبش عدم انسلک در نخستین اجتماع سران دولتهای غیر منسلک سال ۱۹۶۱ منعقد بلگراد پابندی خود را ثابت ساخته بود. بنابر آن ما بتاسی از اصول جنبش عدم انسلک با همه کشورهای مربوط باین جنبش علایق خاص داریم ونیز حمایت خود را از جنبش عدم انسلک دوام میدهم. در اثر تجاوز مسلحانه شوروی در افغانستان اصول اساسی جنبش عدم انسلک پایمال شده است. بحدیکه تجاوز اتحاد شوروی بالای يك عضو فعال و مؤسس حرکت

عدم انسلاک موجودیت این نهضت را بمخاطره انداخته و دوام آن باید کشورهای عضو نهضت مذکور را وادار باین امر سازد تا جهت نجات آن ابتکار سیاسی بزرگ بعد از جنگ جهانی دوم داخل اقدامات جدی و موثر شوند. لهذا کشورهای مربوط باین جنبش جهانی باید فشارهای موثر سیاسی بالای اتحاد شوروی وارد نمایند و کمک موثر بمجاهدین و مهاجرین افغانستان نمایند. توقع ما ازین کشورها اینست تا حکومت دستنشانده شوروی را ازین جنبش خارج نموده و مقاومت ملی افغانستان را بحیث نماینده قانونی ملت افغان درین جنبش پذیرفته و برسمیت بشناسند.

موقف جمعیت در برابر سایر کشورها

جمعیت تحکیم وحدت، غمشریکی را که کشورهای اروپایی غربی و ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای صلحدوست جهان نسبت به تراژیدی افغانستان ابراز کرده اند حسن استقبال میکند .

مناسبات افغانستان با ایالات متحده امریکا و کشورهای غربی همیشه حسنه و متکی به تفاهم و همکاری بود. با پیروی ازین خواسته ملت افغان، رابطه جمعیت تحکیم وحدت با کشورهای اروپایی غربی و ایالات متحده امریکا حسنه خواهد بود. اگرچه افغانستان برای حصول آزادی خود برای کسب استقلال سیاسی و تامین تمامیت ارضی خود در يك جنگ نهایت خونین تحمیلی با یکی از ابرقدرت های بزرگ جهانی دست بگریبان است ولی در حقیقت این نبرد يك جنگ در مقابل توسعه طلبی شوروی بشمار میرود. اتحاد شوروی با پیروی و تعقیب پلان توسعه جویی روسیه تزاری همیشه ب فکر رسیدن به بحر هند و حوزه خلیج فارس بوده و هدف نهایی آن در این ساحه تسلط بشاهراه های بحری دنیا غرب است تا ازین طریق مواد نفتی و خطوط ارتباطی بحری را تحت کنترل آورده بسهولت بکشورهای اروپایی و حوزه جنوب شرق اسیا مسلط شود. لهذا اشغال نظامی افغانستان توسط اتحاد شوروی هدف نبوده بلکه وسیله مهمی برای رسیدن باهداف فوق میباشد. بنابر آن جنگ تحمیلی را که ملت افغان علیه اتحاد شوروی با آن مواجه گردیده هرگاه برای خود مردم افغانستان جنگ آزادی بخش تلقی میشود برای اروپایی غربی و امریکا يك جنگ بمنظور عقیم ساختن اهداف نهایی توسعه طلبی شوروی است. اروپای غربی و ایالات متحده امریکا تاکنون بجزء از اظهار غمشریکی و يك اندازه کمکهای بشری ناچیز و کمکهای سیاسی غیر موثر کدام اقدام چشمگیری نکرده اند. افغانستان درین جنگ تنها مملکتی است که بتنهائى اتکاء بعقیده اسلامی راسخ و وسایل غیر موثر و با استفاده از يك اندازه سلاحیکه از دشمن بغنیمت بدست آورده در برابر يك ابرقدرت جهانی میجنگد. امید داریم که دول غربی و ایالات متحده درک کرده باشند که افغانستان از آغاز حمله شوروی استعداد و لیاقت بینظیر خود را در قسمت آزادیخواهی نسبت بتمام جنبشهای آزادیخواهان قرن معاصر ثابت ساخته و این خود باید جهان صلحدوست را وادار

بسازد تا با این مردم قهرمان در اثر وارد کردن فشار سیاسی و کمک های موثر معاونت نماید.

برحق بودن جهاد مردم افغانستان همانطوریکه نزد موسسات بین المللی مطابق بماده ۲ پاراگراف ۴ منشور ملل متحد و فیصله نامه های مجمع سازمان ملل متحد (۷) و فیصله های سایر موسسات بین المللی ثابت و واضح است، باید نزد همه کشورهای جهان بخصوص ممالک جهان سوم روشن و آشکار باشد.

چون حکومت شوروی و عمال دستنشانده ان در کابل حقوق بشر را در افغانستان بصورت مشهود پامال نموده لذا دولتهای امضاء کننده موافقتنامه های هلسنکی مکلفیت دارند تا وسایل موثری را برای جلوگیری از اتلاف حقوق بشر در افغانستان بکار برند، زیرا ممالکی که در پای موافقتنامه های هلسنکی امضاء کرده اند متعهد شده

اند تا حقوق بشر و آزادی های انسانی را صرفنظر از حوزه جغرافیایی و محیطی آن احترام نمایند که این احترام بقرار موافقتنامه های مذکور عاری از هرگونه قید و شرط سیاسی بوده شکل جهانی دارد و مربوط بجمعیت بشری میباشد. بهای را که امضاء کنندگان موافقتنامه هلسنکی در اثر بیتفاوتی خود در برابر اتلاف حقوق بشر در افغانستان خواهند پرداخت خیلیها سنگین خواهد بود.

از جانب دیگر مردم افغانستان شجاعانه برای حقوق و آزادی خود میجنگد یعنی برای مفاهیمی که مردمان اروپا و امریکا و سایر کشور های جهان و قسماً هم حکومت شان آنرا نصب العین خود قرار داده اند.

جمعیت تحکیم وحدت مساعی خود را برای گرفتن تماس درینمورد با حکومت و زعمای کشورهای اروپایی غربی و ایالات متحده امریکا مبذول خواهد کرد و از آنها تقاضا خواهد نمود تا شوروی را به تطبیق فیصله نامه های ملل متحد و با ایفای وعده های مکرر آن مبنی بر اخراج قوای نظامی اش از افغانستان مجبور سازند.

موقف جمعیت در برابر موسسه ملل متحد و سازمانهای بین المللی

افغانستان یکی از اعضای جامعه ملل و نیز از اعضای وفادار سازمان ملل متحد میباشد. افغانستان همیشه بطور صادقانه از مواد میثاق جامعه ملل و متن و روح منشور ملل متحد خاصتاً از موادی که در مورد تعیین آزادانه حق تعیین سرنوشت، آزادی ملل و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای عضو بیان نموده پشتیبانی کرده است. از این جهت به فیصله های ملل متحد در قضیه افغانستان احترام مینمائیم. توقع ما ازین سازمان بین المللی صرف در حدود مواد منشور آن اینست تا این موسسه جهانی مساعی خود را برای محکوم کردن حمله اتحاد شوروی و برحق بودن جهاد افغانستان ادامه بدهد، و کمکهای بشری موثر و وسیعی بملیونها پناه گزین سیاسی افغانستان که در اثر فشار قوای اشغالگر مجبور به ترك خانه و وطن خود شده اند، بنماید. وظیفه آن موسسه جهانی است که تدابیر موثر برای جلوگیری از اتلاف حقوق بشر در افغانستان اتخاذ کند و اعمال ضد انسانی قشون شوروی و عمال دستنشانده ویرا که تخطی از کنوانسیون ژنیو و قانون جنگ است محکوم کند.

افغانستان آن موسسات و سازمانها و فدراسیونهای بین المللی را که در قضیه افغانستان موقف صریح و فعال مبنی بر حقانیت جهاد ما اتخاذ کرده اند و در راه استقلال و تامین تمامیت ارضی افغانستان موقف صریح گرفته اند بنظر نیک مینگرد.

ما اقدام فدراسیون بین المللی حقوق بشر را مبنی بر شناخت رسمی مقاومت ملی افغانستان بحیث نماینده قانونی افغانستان قدردانی نموده از سایر موسسات بین المللی توقع داریم تا عین همان رویه را در پیش گیرند. ما خود را مکلف میدانیم تا با کلیه موسسات بین المللی ذیعلاقه تماس گرفته حقایق تراژیدی افغانستان را بآنها تفهیم کرده مساعدهای اقتصادی و حمایت سیاسی آنها را تقاضا نماییم.

نظر جمعیت تحکیم وحدت در مورد راه حل سیاسی قضیه افغانستان

افغانستان مخصوصاً بعد از استرداد استقلال سیاسی خود بجهان ثابت ساخت که هرگز بفرق تجاوز بذاك دیگران نیوده و تسلط دیگران را بذاك خود نیز نمیتواند تحمل کند. جنگ هائیکه از قریباً چهار سال باینطرف در کشور ما در جریان است خسارات مالی و معنوی بزرگی بر پیکر کشور نادر ما وارد کرده و تعداد بیشماری هموطنان بیگناه و بی دفاع ما بشمول سرمایه های فکری و مغزهای متفکر در اثر حملات ارتش سرخ شوروی بشهادت رسیده اند. در حالیکه ما میکوشیم تا جنگهای آزادیبخش علیه قشون اشغالگر هرچه بیشتر شدت حاصل نماید، ما معتقدیم که جنگ به تنهایی وسایل حل اختلافات را مهیا نمیسازد. ولی ما خود جنگ را با اتحاد شوروی آغاز

نموده ایم بلکه ما مورد تجاوز قرار گرفته ایم و جنگ بالای ما تحمیل گردیده است. ما صلح را در منطقه اخلاص نکرده ایم زیرا مجبور دفاع از آزادی و دفاع از خاک خود شده ایم. گرچه استفاده از حق و آزادی در سایه صلح به بهترین وجه میسر شده می‌تواند اما ما معتقدیم که حق و آزادی با ارزشتر از صلح است. ما این جنگ دفاعی را براساس قرار حاکمیت ملی خود، برای آزادی و حفظ تمامیت ارضی خود پیش می‌بریم. در حالیکه این هدف در طریق صلح میسر باشد با تاسی از سیاست عنعنوی کشور خود که مذاکره را برای حل اختلافات ترجیح داده و باطاعت کامل از منشور ملل متحد از آن استقبال می‌کنیم.

راه حل سیاسی نزد ما محتوی خروج کامل و بدون قید و شرط قطعات ارتش شوروی از افغانستان، استقلال کامل سیاسی، تمامیت ارضی و استقرار حاکمیت ملی ما است تا زمینه برای حق تعیین سرنوشت تامین گردد. پلانه‌های راه حل سیاسی که طی دو سال گذشته از طرف کشورها و یا اتحادیه‌های کشورهای در قضیه افغانستان پیشنهاد و یا طرح گردیده تنها وقتی نزد مردم افغانستان قابل قبول بوده می‌تواند که در آن استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و اخراج بدون قید و شرط قشون اشغالگر شوروی تضمین شده باشد. پلانه‌ایکه در خفا در باره حل سیاسی و سرنوشت مردم کشور ما طرح گردیده است و یا در آینده بچنین اوصاف و خصوصیات طرح خواهد شد نزد ما رسمیت نخواهد داشت.

چون بحران افغانستان يك موضوع مربوط بصلح منطقه و صلح جهانی میباشد ما معتقدیم که جستجوی طرق حل این معضله باید در يك کانفرانس بین المللی و در چوکات موسسه ملل متحد مطرح شود که در آن دولتهای ذیعلاقه و نماینده مقاومت ملی افغانستان اشتراك داشته باشند تا در نتیجه آن تامین استقلال کامل افغانستان و استقرار مجدد صلح درین منطقه جهان تامین و تضمین گردد.

موقف جمعیت در باره هموطنان پناه گزین ما

بزرگترین رقم پناه گزینان جهان را اشخاصی تشکیل میدهند که از زیر سلطه اتحاد شوروی و یا کشورهای وابسته آن بجهان ازاد فرار کرده اند. ازدیاد روز افزون پناهگزینان افغانی در خارج کشور شان بهمین علت صورت گرفته است. قبل از اپریل ۱۹۷۸ تعداد مجموعی پناهگزینان سیاسی افغانستان از شمار انگشت تجاوز نمیکرد ولی امروز این رقم به چهار ملیون نزدیک شده است و باینصورت بیشتر از ربع همه باشندگان کشور ما را تشکیل میدهد. البته این رقم شامل آنعده هموطنان مانیبست که از داخل کشور نسبت خرابی خانه و قریه های خود در دیگر نقاط کشور آواره شده اند و هرگاه این تعداد مهاجرین به رقم فوق افزود شود بیشتر از نصف نفوس کشور ما تشکیل خواهد داد.

شرایط اقتصادی و زندگی پناهگزینان افغانی خیلی رقتبار است و ایجاب اقدامات جدی، موثر و فوری را میکند. عده از دولتهای اروپایی و تعداد زیاد کشورها مخصوصاً طی دو سال اخیر خلاف کنوانسیون بین المللی ۱۹۷۱ راجع به پناهگزینان سیاسی سرحدات خود را بروی پناهگزینان مسدود کرده اند و به هواپیماهای خود هدایت داده اند تا از حمل آنها خودداری کنند و هم به نمایندگی های سیاسی و قنصلگریهای خود هدایتنامه های خاص برای جلوگیری از پناهنده شدن مردم افغانستان صادر کرده اند. این رویه با معاهده ۱۹۵۱ و پروتوکول ۱۹۶۷ ملل متحد و روحیه ابلاغیه جهانی حقوق بشر و با اصول متکی بتساند بشری مغایرت دارد.

کمکهای بشری این کشورها ناکافی بوده و از لحاظ موثریت و کمیت با روحیه بشر خواهان کنوانسیون های بین المللی هماهنگی ندارد. ما میکوشیم تا توجه بیشتر کشورهای جهان و موسسات بین المللی را درین موضوع جلب

کرده و برای حصول کمک‌های که از لحاظ کمیت و کیفیت متناسب بوضع پناهدگان افغانی باشد تدابیر موثر جستجو نمایم.

تاسیس جمعیت تحکیم وحدت و مبارزه برای آزادی افغانستان و موقف آن در برابر مسایل عمده که در فوق توضیح گردید مطابق بحالات و شرایط کنونی و بر وفق حقایقی است که عملاً در جریان می‌باشد. و لیکن بروز احتمال حوادث و مسایل غیر قابل پیشبینی و با تغییر شرایط و اقتضات مربوط مستلزم تغییر و تحول خواهد بود. با پیروی و اطاعت کامل از آنچه وظیفه اساسی ما را تشکیل می‌دهد بهمه مردم آزادی‌دوست و صلح پسند جهان توصیه می‌کنیم که رویه حکومت اتحاد شوروی را در کشور ما و درین منطقه از جهان، جنگ عریان علیه حقوق بشر، علیه صلح و امنیت منطقه و جهان و علیه کلیه قواعد قبول شده بین المللی و اصول اخلاقی تلقی نمایند.

با تذکر اجمال فوق از بارگاه خدواند قادر و متعال نیاز می‌کنیم که ملت قهرمان و متدین و با همت افغان را توفیق مزید عنایت فرماید تا در راه تامین استقلال سیاسی و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی وطن مقدس و پر افتخار خود توفیق فوری و کامل حاصل کند و افغانستان بحیث یک کشور مستقل و اسلامی چه در آن ناحیه آسیا که واقع است و چه در همه جهان یک عنصر استحکام صلح و امنیت گردد.

در حالیکه ما بروان پاک شهیدان راه اعلاى کلمت الله و آزادی درود می‌فرستیم با اطاعت کامل از اراده خدواند (ج) همه قوای خود را در راه مقدس جهاد قرار می‌دهیم و از همه هموطنان مسلمان خود التجا مینمائیم تا با الحاق خود صف ما را نیرومندتر سازند. و من الله التوفیق

ختم